

بررسی ظرفیت‌های اقتصادی اجتماعی تعاونی‌ها در برقراری توسعه پایدار

کاوه سرمست*

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۵

چکیده:

این مقاله ابتدا به اهمیت تعاونی‌ها در جامعه امروزی جهانی و جایگاه آنها می‌پردازد و سپس مقوله توسعه پایدار را بطور خلاصه موشکافی می‌کند. توسعه پایدار در تعریف کلان خود زمینه‌ای است برای حفظ محیط زیست و منابع مصرفی برای تولید که در ارتباط تنگاتنگ با شرایط اجتماعی مطلوب، کاهش فقر و نابرابری و اختلاف درآمدی بین اقشار گوناگون اجتماعی و مناطق گوناگون جهانی قرار دارد. عواملی که زمینه ساز بهبود وضعیت پایدار و توسعه اجتماعی اقتصادی هستند را تا حد امکان بیان می‌کند و عللی که در اقتصاد

* . دکتری اقتصاد - گرایش تعاون، مدرس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

مبتنی بر بازار سرمایه‌داری، موجب کژروی و تخریب فرآیندهای توسعه پایدار می‌شود را نیز توضیح می‌دهد. بدیهی است که این بحث به تعاونی‌ها و امکانات و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در ارتباط با تامین شرایط پایدار بطور ذاتی دارا می‌باشند و در روند فعالیتی خود آنها را تولید و بازتولید می‌کنند می‌پردازد. نتیجه آنکه تعاونی‌ها به معنای واقعی کلمه، بخش قابل توجهی از اقتصاد محسوب می‌شوند که به خودی خود تامین کننده توسعه پایدار هستند.

مقدمه

بخش قابل توجهی از توجه اقتصاددانان به رشد و توسعه روزافزون معطوف است، اما با توجه به اینکه در قرن بیستم و بدنبال آن قرن بیست و یکم، چه در جهان پیشرفته و توسعه یافته و چه در جهان در حال توسعه، توسعه و رشد همواره با تخریب محیط زیست و مصرف بی حساب و کتاب منابع طبیعی و بدون در نظر گرفتن اینکه آیا این منابع برای نسل‌های آینده وجود خواهند داشت همراه بوده است، از اینرو پرسش جدیدی مطرح شد که آیا می‌توان به توسعه مستمر و رو به رشد دست یافت بدون آنکه محیط زیست در مخاطره قرار گیرد و نسل آینده از منابع محروم شود؟ تلاش برای پاسخ به این پرسش و جوانب و زمینه‌های بس گوناگون آن خود موجب ایجاد یک رشته علمی جدید بنام "توسعه پایدار" شد. در واقع توسعه پایدار به مثابه یک علم از بررسی‌های متنوع مربوط به چگونگی تاثیرگذاری توسعه بر محیط زیست و روش‌های احتمالی که می‌توانند این تاثیرات نامطلوب را کاهش دهند، بوجود آمد. توسعه پایدار دارای چندین مؤلفه اساسی است؛ یکی از این مؤلفه‌ها "سازمان" بعنوان عنصر و واحد اجرایی تولید و توزیع اجتماعی است. سازمان که در جامعه مبتنی بر سرمایه‌داری بازار آزاد به آن بنگاه اقتصادی یا شرکت^۱ هم می‌گویند، عامل اصلی توسعه است. هر چقدر سازمان‌ها گسترده‌تر و محصولات آنها پیچیده‌تر و بازار آنها وسیع‌تر

¹. Corporations

باشد قاعدتاً توسعه بیشتری هم شکل گرفته است. اما این سازمان‌ها هستند که از سویی از منابع طبیعی برای تولید محصولات خود برداشت می‌کنند و از سوی دیگر محصولات آنها فرهنگ مصرف را شکل می‌دهد. بنابراین اقتصاد دانان توسعه پایدار مبانی مشخصی را برای هماهنگی بیشتر بین فعالیت سازمان‌ها و حفظ محیط زیست بوجود آوردند. برخی از نظریه پردازان توسعه، کارشناسان محیط زیست، دانشگاهیان، بنگاه‌های کمک رسانی، سازمان‌های غیردولتی و سایر مراجع علمی ذیربط، فعالیت‌های یک بنگاه اقتصادی در چارچوب بازار آزاد سرمایه‌داری را ناقض توسعه پایدار می‌دانند. علت این نظر را باید در ماهیت کارایی^۱ اینگونه بنگاه‌ها جستجو کرد که بازتابی از میزان سودآوری‌اند. در این شرایط فاصله هزینه‌ها و درآمدها و تعمیق این شکاف، انگاره‌ای برای موفقیت مطرح می‌شود و سپس هزینه‌ها و طبیعتاً سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با حفظ محیط زیست امری مطلوب بشمار نمی‌روند. اما همه بنگاه‌های اقتصادی دارای این ماهیت نیستند و برخی دیگر مانند تعاونی‌ها، دارای اهداف و کارکردهای درون سازمانی متفاوتی هستند. در تعاونی‌ها سودآوری انگیزه و علت اصلی فعالیت اقتصادی بشمار نمی‌رود و از اینرو اصولاً سرمایه‌گذاری مفهوم متفاوتی می‌یابد. تعاونی‌ها نیز بعنوان یک سازمان که در مجرای تولید اجتماعی در سطوح مدرن فعالیت می‌کنند به نوبه خود بر محیط زیست تاثیر می‌گذارند. این تاثیر دو گانه است، یکی تاثیر کارکردهای سازمانی مانند سایر بنگاه‌های اقتصادی بر محیط زیست و بعبارت دیگر به مخاطره انداختن آن و دیگر تاثیر کمک به رفع مصایب و مشکلاتی است که در اقتصاد امروزی در ارتباط با محیط زیست وجود دارد. بعبارت دیگر تعاونی‌ها چون ملاحظات زیست محیطی قوی دارند هم در سازوکار درونی و خودبخود دارای انگیزه‌های قوی توسعه پایدار هستند و هم بمراتب بیشتر از سهم خود به برقراری توسعه پایدار در سطوح وسیع‌تر کمک می‌کنند. در حقیقت نقش تعاونی‌ها در شکل‌گیری توسعه پایدار،

^۱ . Efficiency

در هر دو محیط خُرد و کلان (در سطح بنگاه و در سطح جامعه) قابل بررسی است. این مقاله به این مقوله با دقت بیشتری می‌پردازد.

روش شناسی

روش شناسی این مقاله مبتنی بر مطالعه و تحلیل ادبیات روز در حوزه مورد بحث است. رابطه تحقیقات پیمایشی و تئوریک یک رابطه دوسویه است و در واقع هر کدام بنوبه خود از دیگری بهره می‌گیرند، از اینرو هر دو نوع تحقیقات در عرصه‌های علمی ضروری و در جایگاه خود پر اهمیت هستند. اما نباید فراموش کرد که تحقیقات تئوریک و تحلیل‌های اندیشه بنیان، بر مبنای تئوری‌های موجود، به نوعی اولویت را دارند زیرا تحقیقات پیمایشی همواره تابع نوعی تلقی علمی است که از پیش شکل گرفته و یا بعبارت دیگر پارادایمی است که از تجمیع و کنش‌های بغرنج برآمده از پدیدآوری دیدگاه‌های تئوریک شکل می‌گیرد. با رعایت احتیاط، بنظر می‌رسد که اصولاً در ارتباط با مبحث تعاونی‌ها در کشور ما و همچنین در تحلیل‌های اندیشه پردازانه مبتنی بر مطالعه تجارب موجود، نوعی فقر حاکم است. از اینرو مجال شکل‌گیری و پردازش تئوریک در زمینه تعاونی بسی فراخ و دعوت‌کننده است. کلا شناسایی تعاونی‌ها و جنبش تعاونی بصورت اصیل و صحیح و خالی از خدشه‌های تئوریک در جامعه بزرگ کشور ما دچار کاستی است و از یک محفل کوچک علمی فراتر نمی‌رود. با وجودی که زمینه‌های فعالیت تعاونی در کشور بسیار گسترده است و اعضای تعاونی‌ها پر تعداد هستند و دانشجویان انگیزه‌مندی در این موضوع، فرایند تخصصی و کارشناسی را طی می‌کنند، بنظر می‌رسد که تاکید بر مطالعات تئوریک و تحلیل اندیشه تعاونی در ابعاد گوناگون ضرورت دارد. از اینرو روش مورد استفاده در این مقاله بر بنیان مطالعه و اطلاع از دستاوردهای مدرن در زمینه تعاونی‌ها و توسعه پایدار استوار است و ویژگی‌ها و تجارب حاصل از ترکیب این دو مقوله را بازگشایی می‌کند. سازماندهی و تحلیل ارائه شده مبتنی بر جمع‌بندی دیدگاه‌های موجود است که طبیعتاً

با نظمی بر بنیاد باور، تجارب و تخصص نویسنده شکل گرفته است. بعبارت دیگر حاصل سنتزی است که از دیدگاه نویسنده منشا می‌گیرد. منابعی که مقاله دیدگاه‌های ارائه شده را از آنها اخذ نموده در پایان فهرست شده‌اند.

ویژگی‌های اقتصاد تعاونی در مقایسه با اقتصاد روز

امروزه تعاونی‌ها در جهان نقش بسیار مهمی را در فرایندهای اقتصادی بر عهده دارند و تقریباً در جایگاه جایگزین برای اقتصاد مبتنی بر بازار سرمایه‌داری محسوب می‌شوند. این جایگزینی از دو جهت قابل بررسی است: نخست آنکه در هنگام اصطلاحاً شکست بازار و عدم توانایی بخش خصوصی در تامین نیازها، یکی از روش‌های مقابله‌ای قابل کاربرد، ورود به تعاونی‌هاست و دوم آنکه مستقیماً در رقابت با بخش خصوصی در ایجاد شرایط مساعد اجتماعی - اقتصادی و حذف یا کاهش بیماری‌های اجتماعی از قبیل: بیکاری، فقر، عقب ماندگی و غیره می‌باشد. در واقع تعاونی‌ها چنان توانمندی در هر دو وجه از خود نشان داده‌اند که امروزه برآستی از طرف برخی اندیشمندان بعنوان یک اقتصاد مستقل که توانایی تامین نیازهای بشری و عدالت را بطور هم زمان دارد تلقی می‌گردند. بر خلاف بخش خصوصی که مبدا و منشاء آن سرمایه است و هدف از آن نیز انباشت سرمایه و بعبارت دیگر سودآوری است، در تعاونی‌ها بعلت آنکه اصولاً از سوی قشر اجتماعی فاقد سرمایه و عمدتاً نیروی کار شکل می‌گیرند، سود جایگاه انگیزشی نمی‌یابد و هر چند تعاونی‌ها نیز بنوبه خود در جستجوی توسعه و گسترش هستند اما این توسعه به معنای انباشت سرمایه که در بخش خصوصی حاکم است، نیست. در عوض آنچه تعاونی‌ها در وهله نخست در جستجوی آن هستند به حکم وضعیت و شرایط اجتماعی - اقتصادی بنیان گذاران و اعضای آنها، در جهت تامین نیازهای آنان است. از سوی دیگر نیازهای یک جمعیت اجتماعی حتی در سطوح نیروی کار چنان پیچیده، متنوع و گسترده است که بنظر می‌رسد تعاونی‌ها از تنوع و گستردگی بی‌پایانی می‌توانند برخوردار باشند، از اینرو

حتی برخی از اندیشه پردازان بزرگ تعاونی از اقتصاد مسلط تعاونی‌ها و یا "جمهوری تعاونی" سخن رانده‌اند (شارل ژید - مکتب نیم). یکی از علل مستعد بودن "کارآفرینی" در تعاونی‌ها از همین ویژگی تنوع بر می‌خیزد. البته طبیعی است که کارآفرینی در تعاونی‌ها خصلت اجتماعی می‌یابد و از عنصر سودآوری که در کارآفرینی فردی و سازمانی یکی از ارکان به حساب می‌آید و انگیزه کارآفرین در آن خلاصه می‌شود خالی است، اما ناقض ارزش آفرینی نیست زیرا این ارزش آفرینی در فضای اجتماعی توزیع می‌گردد و بصورت انباشته در اختیار یک بخش یا قشر گرد نمی‌آید. عبارت دیگر یکی از علل مرتبط با "هم راستایی" بخش تعاونی و عدالت اقتصادی و اجتماعی نیز از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد.

"جنبش تعاونی همچنین مدتهاست که نقش مهمی را در توسعه کشاورزی و کسب و کار کشت^۱ ایفا کرده است. این موضوع حتی در آمریکا که سالهاست به دژ اقتصاد بازار مشهور است نیز صادق است. از تمشک تا کشمش تا کره و آب پرتقال، از بازاریابی تا اعتبار، همواره تعاونی‌ها مرکز موفق‌ترین فرآیندهای توسعه بوده‌اند و در ترکیب مدیریت سلیم و نظم مالی، همراه با چشم اندازهای اجتماعی وسیع‌تر، موفق عمل کرده‌اند. علت ظرفیت‌های تعاونی و نقش کلیدی آن در فرآیندهای توسعه در همین نکته نهفته است... برای مثال در بنگلادش، این سازمان‌ها (تعاونی‌ها) زندگی میلیون‌ها نفر را از طریق تامین وام‌های کوچک برای ایجاد شرکت‌های جدید نجات داده‌اند. تعاونی‌ها به نیازهای نو ظهور نیز پاسخ می‌دهند." (Joseph Stiglitz- 2004)

در اقتصاد ایران نیز تعاونی‌ها سالهاست که چهره مثبت و توانمند خود را نشان داده‌اند، هر چند ممکن است بحث‌هایی پیرامون عدم کارایی تعاونی‌ها از سوی دیدگاه‌های متمایل به بازار آزاد طرح گردد اما پاسخ‌های جدی در عدم درک کامل از چرایی و چگونگی تعاونی‌ها و استعدادهای بالقوه آنها در بخش‌های خصوصی و دولتی وجود دارد که البته این مقاله قصد ندارد که به آنها پردازد. از سوی دیگر حتی

¹ . Agro- Business

دیدگاه‌های افراطی مبتنی بر بازار سرمایه‌داری نیز به صراحت از حذف تعاونی‌ها سخن نمی‌رانند و تعاونی‌ها را برای رفع و علاج بیماری‌های گوناگونی که فرآیندهای اقتصادی بازار آزاد بوجود می‌آورند نیاز دارند.

بنابراین تعاونی‌ها بعنوان هسته اقتصاد سالم و عادلانه و در برگیرنده توده اجتماعی کار، زمینه‌های بهبود شرایط اجتماعی را فراهم می‌آورند و پاسخگوی بسیاری از مشکلات اجتماعی - اقتصادی هستند.

یکی از این بیماری‌های جدی و اساسی که مستقیماً زیست بشر را بر روی کره خاکی مورد تهدید قرار می‌دهد تخریب محیط زیست و استفاده افراطی یا غیرمعقول از منابع است. در واقع با وجود آنکه توسعه اقتصادی دستاوردهای بسیار بزرگی را همراه داشته و دانش و تکنولوژی و محصولات مصرفی بی‌مانندی را به ارمغان آورده است اما از دو سو موجب تخریب و آلودگی محیط زیست گردیده است: از یک سو استفاده بی‌قاعده و ناکارآمد از منابع، بطوری که تجدید پذیری آن را با خطر مواجه کرده است و حتی روند تداوم توسعه را نیز با کندی روبرو گردانیده و از سوی دیگر تخریب‌های محیط زیستی که از مصرف محصولات و کالاها بر جای می‌ماند. هر دوی این موارد یورش عظیمی را به ارکان زیست‌مند کره خاکی انجام داده و ضربه‌های سختی را بر آن وارد کرده‌اند. این فرایند کم‌کم تنوع زیستی گیاهی و جانوری را نیز با خطر مواجه می‌کند و عرصه را برای زندگی خود بشر نیز تنگ می‌کند.

یکی از روش‌های مقابله با این تخریب ایجاد پروژه‌های سنگین در جهت رفع آثار ویرانگر محیط زیستی است که به علت هزینه بسیار بالا و اصولاً اینکه واکنشی پس از ابتلا است چندان موفقیت آمیز و کارا نیست. اما راه دیگر اصلاح فرایندهای اقتصادی یا عبارت دیگر تولید و مصرف است بگونه‌ای که بصورت عملی پیشگیرانه، بخودی خود در حفظ محیط زیست کوشش شود. شاید این تنها راه حل جدی، کارآمد و کم هزینه در ارتباط با حفظ و ارتقای محیط زیست باشد که به خودی خود توسعه اقتصادی - اجتماعی را نیز همراه خواهد داشت، این همان توسعه پایدار است. وقتی

گزینه دوم مورد نظر باشد ناگزیر وارد نهادهای تولید و مصرف می‌شویم و آنگاه به جایگاه تعاونی‌ها بعنوان یک اقتصاد کارآمد می‌توانیم پردازیم، اقتصادی که در فرایندهای اجرایی آن، تولید نیازها و مصرف از الگوی متفاوتی نسبت به آنچه در اقتصاد بازار سرمایه‌داری تجویز می‌شود تبعیت می‌کند و از اینرو رابطه متفاوتی با حفظ محیط زیست پیدا می‌کند.

توسعه پایدار چیست؟

ایده توسعه پایدار نوعی مقابله با تخریب محیط زیست است که در طی دهه‌های گذشته از لابلای بحث‌هایی که در جنبش محیط زیستی طرح گردید سر بر افراشت. گزارش برونتلند^۱ و اجلاس‌های جهانی مانند اجلاس زمین در ریوی برزیل در سال ۱۹۹۲ باهدف عمده سازی توسعه پایدار شکل گرفتند. توسعه پایدار در گزارش برونتلند صرفاً نوعی از توسعه قلمداد شده است که در آن "تامین نیازهای امروز بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل فردا برای تامین نیازهایشان" صورت گیرد (World Commission on Environment and Development -1987, P.8). برخی از اندیشمندان مانند اقتصاد دانان محیط زیست و ساختار گرایان این تعریف را بعلت مبهم و نا کافی بودن مورد انتقاد قرار دادند (-Norgaard-1994, Redclift-1989, Solow-1993). در واقع محور انتقاد آنها بر این منطق استوار بود که نیازها اصولاً بیان نشده‌اند و از روش‌های دستیابی پایدار به آنها نیز یادی نشده است. بر طبق کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، اصولاً علت نزول سطح محیط زیست، فقر بیان می‌شود و زمانی که فقر ریشه کن شود، محیط زیست نیز دوباره فرایند باز سازی خود را در پیش خواهد گرفت (Castro-2004, P.196). البته ظاهراً کمیسیون جهانی که یک سازمان وابسته و زیر مجموعه سازمان ملل است برای این نوع درک خود از توسعه پایدار دلیل

¹ . Brundtland Report

قانع‌کننده‌ای را بیان نمی‌کند و فقر را بعنوان پیش فرض توسعه ناپایدار (تخریب‌کننده محیط زیست) در نظر می‌گیرد. از آنجایی که همچنان متولی و بازیگر بزرگ توسعه پایدار در سطح فرا ملی و بین‌المللی سازمان ملل است و ابتکارهای این سازمان در سطح جهانی به رسمیت شناخته می‌شود می‌توان گفت که فرآیندهای بهبود محیط زیست اثر بخشی لازم را ندارند و با وجود پیشرفت‌های چشمگیری که در زمینه توسعه پایدار بویژه در متون علمی بوجود آمده است اما هنوز انتقال به عصر پایداری به کندی و سختی صورت می‌گیرد و پایداری هنوز یک جایگاه اساسی در مباحث عملی توسعه کسب نکرده است و هنوز بخش قابل توجهی از بشریت در گوشه و کنار کره خاکی در محرومیت از اساسی‌ترین حقوق و نیازهای خود به سر می‌برند.

اصولاً ممکن است این پرسش در اذهان، بویژه آنانی که نگاه صرفاً اقتصادی به امور دارند پیش آید که فایده توسعه پایدار چیست و چرا اکنون این مبحث به یک اولویت در مباحث اقتصادی - اجتماعی تبدیل شده است. علت را باید در وجود خود انسان‌ها جستجو کرد، بعبارت دیگر در پی توسعه عظیم و همه جانبه بشری در دوست سال گذشته که عمدتاً در چارچوب نظام و ساز و کارهای مسلط سرمایه‌داری شکل گرفت، دو نکته بارز (در بین عوامل بسیار دیگر) موجب تخریب و تحلیل محیط زیست در روی کره زمین گردید: عامل اول روابط کالا - پولی است که تقریباً همه فعالیت‌های بشری را منضم به تأثیرات خود نموده، بطوری که حتی موسیقیدانان بزرگ و نقاشان برجسته نیز هنر خود را بصورت کالا تهیه و عرضه می‌نمایند و در ازای آن پول می‌گیرند. این امر ایجاد ثروت اجتماعی و کسب پول را به سرآمد همه اهداف زندگی تبدیل کرده است، بنابراین تولید کالا به مثابه تولید ارزش و تراکم ثروت، اولویت بی چون و چرا دارند و در این شرایط طبیعی است که اساساً فرایند توسعه بی نیاز و فاقد ملاحظات زیست محیطی شکل می‌گیرد و از سوی دیگر هزینه‌های بازدارندگی تخریب محیط و یا درمان آن (پس از وقوع) ابعاد نجومی به خود می‌گیرد و طبیعی است که با شرایط حاکم روابط کالا - پول سر تضاد دارد. عامل دوم روی آوردن

به زندگی شهری و گسست مستقیم رابطه انسانها با طبیعت است. در این صورت نیز حس روزمره نسبت به اینکه ما انسانها نیز بخشی از طبیعت هستیم رو به زوال می‌رود و فقط زمانی که تخریب طبیعت آنقدر حاد می‌گردد که زندگی شهری را به مخاطره می‌اندازد متوجه طبیعت می‌شویم. "در دهه‌های گذشته کتابها و مطالب بسیاری در ارتباط با تاثیرات مخرب انسانها بر سیستم‌های زیستی توسط دانشمندان نوشته شده است، بطور مثال می‌توان از کارسون (۱۹۶۲)، کونور (۱۹۷۲)، بیرچ (۱۹۷۵)، ارلیش و ارلیش (۱۹۹۰)، بویدن (۱۹۹۰)، مک میشل (۱۹۹۳)، انستیتوی منابع جهانی (۱۹۹۴) و براون در سال‌های گوناگون نام برد" (Mark Diesendorf-2004, P.2).

اگر بخواهیم مجموعه دیدگاه‌های این دسته از نویسندگان و پژوهشگران و سایرینی که در این زمینه پژوهش کرده‌اند را خلاصه کنیم می‌توانیم عمده‌ترین تاثیرات محیطی که انسانها بر محیط زیست می‌گذارند را به ترتیب زیر برشمردیم:

- تغییرات غیر قابل بازگشت در جو کره زمین
 - تخریب لایه اوزون و افزایش تابش ویرانگر پرتوهای فرابنفش
 - فرسایش خاک و بیابان‌افزایی
 - نابودی تنوع بیولوژیکی
 - آسیب چرخه‌های فتوسنتز
 - آلودگی گسترده هوا، رودخانه‌ها و دریاها
 - خالی شدن منابع آب زیر زمینی
- اما برای شناخت جدی از مباحثی که توسعه پایدار در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی مطرح ساخته است ناگزیر باید تکواه‌های زیر را بازتاب داد:

- **ویژگی اجتماعی:** علل فقر و تخریب محیط، دارای در هم تنیدگی منطقی هستند و این امر نشان می‌دهد که توسعه پایدار فقط یک مبحث محیط زیستی و یا اقتصادی صرف نیست و نیازمند آن است که از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. اختلاف فاحش بین فقیر و غنی چه در داخل یک کشور واحد و چه در مبان

کشورها نیز از عوامل توسعه نا پایدار است یا بر عکس می‌تواند ناشی از توسعه ناپایدار باشد. در هر صورت رابطه‌ای منطقی بین آنها حکمفرماست (نگاه کنید به Sara J. Scherr).

- تاثیر کشورهای قدرتمند: اعمالی که ایالات متحده آمریکا بعنوان ثروتمندترین و قدرتمندترین کشور انجام می‌دهد و یا بر عکس از انجام برخی اعمال ضروری سر باز می‌زند، بطور مستقیم و غیرمستقیم سایر کشورها را دستخوش تاثیر خود می‌سازد. یکی از مباحث جدی در این ارتباط، رابطه دیون کشورها و فقر است. آمریکا بعنوان تاثیر گذارترین عامل و بزرگترین سهامدار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و حتی بزرگترین تامین کننده بودجه سازمان ملل طبیعتاً دارای تاثیرات غیر قابل انکار بر روی سایر کشورهای جهان است.

- فرآیندهای اقتصادی مبتنی بر آزاد سازی و مکانیزم بازار در منابع طبیعی: مباحثی همچون خصوصی سازی آب در کشورهای توسعه یافته دارای اهمیت بسزایی است، بویژه آنکه حق استفاده از آب و سود آوری از مردم به بخش خصوصی واگذار می‌شود. تاثیرات این مباحث بر روی مردم جهان قابل دیدن و بررسی است.

- پیامدها و آثار توسعه نیافتگی بر نیروی انسانی کارآمد در کشورهای توسعه نیافته: فرار مغزها یکی از اساسی‌ترین مشکلات کشورهای فقیر و در حال توسعه است زیرا نیروی ماهر و کارآمد خود را بنفع کشورهای ثروتمند از دست می‌دهند. بویژه در زمینه بهداشت این روند بسیار شفاف است بطوری که در کشورهای ثروتمند حتی تا یک سوم تعداد پزشکان از کشورهای خارجی مثل بخش‌های قاره‌ای آفریقا وارد شده‌اند. این در حالی است که برخی از کشورهای آفریقایی فقط دارای ۵۰۰ پزشک برای کل جمعیت خود هستند. این گونه فرار مغزها دلایل متفاوتی دارد و می‌تواند از شرایط بد داخلی تا فرصتها و چشم اندازهای اغوا کننده در کشورهای ثروتمند را شامل شود.

- **تضاد منافع ما بین کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته:** اجلاس بین المللی ریو که هزاران نماینده از کشورهای گوناگون در آن گرد هم آمده بودند، مجالی شد برای بحث پیرامون توسعه پایدار. البته دیدگاه‌های متضاد بین کشورهای شمال و جنوب در آن هویدا بود. برخی از این دیدگاه‌های متضاد درباره مباحثی همچون جهانی سازی به رهبری شرکت‌های بزرگ، خصوصی سازی انرژی، آب و بهداشت و ازاین قبیل بود.

- **نهاد یکپارچه بین المللی:** سازمان ملل متحد بزرگترین نهاد بین المللی متولی مباحث توسعه در جهان بشمار می‌رود. هر چند در عین حال دارای مسائل و مشکلات سیاسی بسیاری است که باید با آنها دست و پنجه نرم کند، اما دیده می‌شود که از طریق سازمان‌های تابعه خود می‌تواند بسیاری از وظایفش را در این حوزه به انجام برساند. اما متأسفانه این وظایف کامل نیستند و بعضاً بخاطر اعمال نفوذ کشورهای قدرتمند اثرات منفی نیز بار می‌آورند.

- **فعالیت‌های خرد در سطح بنگاه:** یک برنامه سیستماتیک که در یک شرکت منفرد برای کاهش تاثیرات مخرب محیطی انجام می‌شود یقیناً فعالیت‌های عمده‌ای مانند: تولید، فرآوری، حمل و نقل و غیره را در بر می‌گیرد. بنابراین بسیار محتمل است که برای کاهش مصرف انرژی، آب و مصارف شیمیایی، شرکت‌ها مجبور شوند که روش‌های ساخت، نگهداری و تحویل خود را مجدداً طراحی و اعمال کنند. حتی ممکن است ناگزیر به پالایش و بازیافت مواد، آب و جایگزین کردن منابع اصطلاحاً "نرم"، کاهش خطرات بهداشتی در محل کار، کنترل کیفیت و جلوگیری از آلودگی محصولات، طراحی تجهیزات و افزایش فاکتورهای انسانی و زیبایی شناسی، کاهش فرسایش، نشتی، گرد و خاک، سر و صدا، حشرات و ترافیک نیز شوند. اشاره ضمنی بعمل آمده نشان داد که فرآیندهای تولید و مصرف در اقتصاد امروز از اساسی‌ترین عوامل زیر پا گذاردن ملاحظات پایداری هستند. یک سازمان عضوی از اقتصاد است و اقتصاد نیز بنوبه خود عضوی از جامعه محسوب می‌شود، بنابراین شرکت‌ها و سازمان‌ها نقش و سهم بسیار قابل توجهی در پایداری و یا عدم پایداری جوامع و بطور کلی

جامعه یکپارچه جهانی دارند. تاثیراتی که شرکت‌ها بر محیط زیست می‌گذارند وابسته به نوع گزینش منابع، بهره برداری از زمین، مکان‌های جغرافیایی، فرآیندهای تولید، و ایجاد دورریزها و آلاینده‌ها، ساختارهای سازمانی، نظام‌های مالی، سیستم‌های مدیریتی، اشتغال و نیروی انسانی، خدمات مشتری، فعالیت‌های اجتماعی، استفاده از اطلاعات و کانالهای نفوذ آنها می‌باشد. ترکیب عوامل یاد شده در شرکت‌ها و سازمان‌ها تاثیرات مشخص اجتماعی بدنبال دارد که می‌توان آنها را به مستقیم (تاثیراتی که ناشی از مکان دفاتر و کارخانجات‌شان است) و غیر مستقیم (مدل‌های مصرف آنها که بطریق اولی به جامعه نیز منتقل می‌شود) تقسیم نمود.

بنابراین توسعه پایدار یک ایده وسیع است و اهداف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی را پوشش می‌دهد. برخی از این اهداف نیازمند تغییرات بسیار پر اهمیت هستند. توسعه پایدار در جستجوی نوعی از توسعه است که کیفیت زندگی را بدون به خطر انداختن شرایط سایر ملل و کشورها افزایش دهد و یا دسترسی نسل‌های آینده به منابع زندگی را با کمبود مواجه نسازد. اندیشمایی توسعه پایدار مبتنی بر عدالت اجتماعی - محیطی است، از اینرو پیش شرط ورود به مبحث، گسترده کردن مشارکت دموکراتیک در مالکیت و کنترل بر منابع را ضروری می‌سازد.

زمانی که سیستم‌های تولید و مصرف و تاثیرات محیطی آنها مورد بررسی هستند، توسعه پایدار چشم انداز و توجه سرتاسری و کلانی را می‌طلبد و توجه به هزینه‌های اکولوژیک و ارائه خدمات اکولوژیک را نیز ضروری می‌سازد.

توسعه پایدار شعار "کار با دوام بدون آسیب طبیعی و اجتماعی" را ارائه می‌دهد و از اینرو خواستار تطبیق و هماهنگی بیشتر و گسترده‌تر فعالیت‌های بشری با فرآیندهای طبیعی و خواستار کاهش تخریب فاجعه آمیز یا تدریجی سیستم‌های طبیعی است. توسعه پایدار مسئولیت ویژه‌ای بر دوش نسل بشر می‌گذارد که با سایر ابنا خود و جهان رفتاری در چارچوب حفظ و دوری از نابودی و ویرانی فرهنگ و تنوع زیستی

¹ . Lobbying

داشته باشد. در رویکرد با تضادهای موجود در توسعه تجاری- صنعتی می‌توان بوسیله ایجاد آمیزه‌ای از تغییرات اساسی در ارزش‌ها، سازمان‌ها و تکنولوژی در واقع بصورت "افراط"^۱ عمل نمود. همچنین در ارتباط با توانایی ما در درک و مدیریت فرآیندهای طبیعی، باید رویکرد "محافظه کارانه"^۲ بخود گرفت. توسعه پایدار بدنبال تندروری و قاطعیت فعالیت‌های انسان در حفظ محیط زیست و در عین حال در احتیاط و ایمنی در برخورد با طبیعت است.

توسعه پایدار را بعنوان یک فرآیند اجتماعی می‌توان در قالبی از روابط فیما بین انسان و طبیعت دید. در این نوع دیدگاه، جوامع بشری را می‌توان در مرکز عناصر اصلی اکوسیستم پایدار قرار داد. بنابراین توسعه پایدار بعنوان یک فرآیند اجتماعی نیازمند ترتیبات سازمانی و نهادینه‌ای است که :

ابتدا سیستم‌های تولید و مصرف را پشتیبانی کنند و سپس توسعه جوامع پایدار که منافع، علاقمندی و ظرفیت دفاع از تمامیت اکوسیستم خود را دارند را پشتیبانی نمایند.

انسانهای منفرد نمی‌توانند از تنوع زیستی حفاظت کنند، مرغزارها را مدیریت کنند و منابع آبی را نگهداری نمایند. برای پیاده کردن کارکردهای پایداری باید نوعی جامعه وجود داشته باشد، افراد تک، بدون وجود جامعه انگیزه‌ای برای نگهداری و حمایت منابع ندارند. جامعه انسانی خود محیط زیست را به مخاطره انداخته است و خود نیز مسئولیت رفع این نقص خانمان برانداز را بعهده دارد. این تلاش جمعی و اجتماعی حتی در سطح کل بشریت است که باید در قالب قانونمند و منسجم مشکل تخریب محیط زیست را حل نماید.

¹ . Radical

² . Conservative

اکنون که بسیار خلاصه و فهرست وار از مباحث پیچیده و اساسی توسعه پایدار مطلع شدیم و به این نتیجه رسیدیم که حل معضل ناپایداری فقط توسط جوامع قابل رفع است، از اینرو به تعاونی‌ها و ظرفیت‌های‌شان در این ارتباط بیشتر می‌پردازیم.

تعاونی‌ها و توسعه پایدار

الف - تعاونی‌ها و اهداف هزاره سوم

در بیایه اهداف هزاره (در مقابل اهداف هزاره سازمان ملل) که توسط جانستون بیرچال^۱ برای تعاونی‌ها تعریف شده است، در قسمتی سه هدف عمده در برآورده سازی نیازمندی‌های مقابله با فقر و توسعه پایدار در چارچوب جهانی برای تعاونی‌ها قائل شده‌اند که عبارتند از:

۱- پیوند اصول توسعه پایدار به سیاست‌های داخلی هر کشور و جلوگیری از هدر رفت منابع: کاهش شدید منابع خوراک دریایی و استفاده مخرب از ماهیگیری در جهان، فرسایش خاک، تنش شدید در منابع آبی و تغییرات آب و هوایی ناشی از گازهای گلخانه‌ای از موارد بسیار جدی و اساسی هستند که کشورهای در حال توسعه را تهدید می‌کنند. زیست در حدود یک میلیارد جمعیت بشری ساکن در مناطق روستایی کشورهای فقیر مستقیماً از منابع طبیعی تامین می‌شود و تخریب طبیعت جهان، مستقیماً زندگی آنها را با محدودیت‌های جدی مواجه می‌کند و از درآمد اندک آنها همچنان می‌کاهد. کلیه سازمان‌ها و اندیشمندان مرتبط با مباحث توسعه پایدار متفق القول معتقدند که مشارکت عملی و مستقیم این جمعیت بشری در شناسایی راه حل‌های محیط زیستی و کاربرد آنها ضروری است. بدیهی است یکی از اصلی‌ترین روش‌های نهادینه شده این جمعیت، تعاونی می‌باشد.

¹ . Johnston Birchal

۲- نصف کردن میزان عدم دسترسی مردم جهان به آب نوشیدنی: بعنوان نمونه در آفریقا از هر سه نفر یکنفر به آب نوشیدنی سالم دسترسی ندارد و اگر همین روند ادامه یابد میزان عدم دسترسی به آب سالم در سال ۲۰۲۰ دوبرابر می‌شود (Water and Sanitation Program-2002). آمار مربوط به بی‌آبی در مناطق محروم جهان چه در سطح روستا و چه در سطح شهر بمراتب فراتر از این می‌رود. مسئله عدم دسترسی به آب و بهداشت ناشی از آن، کم‌کم به یک معضل بزرگ بشری تبدیل می‌شود. در بسیاری از کشورها تامین آب یکی از وظایف دولت‌ها بشمار می‌رود و جزء بخش عمومی محسوب می‌شود، اما در دهه ۱۹۹۰ با حمایت بانک جهانی روند خصوصی سازی منابع آبی به شرکت‌های بزرگ تامین آب شتاب بسیاری گرفت اما هزینه‌های تامین آب را بیشتر اقشار بالا و متوسط می‌توانند تامین کنند و اقشار فقیر عملاً از منابع آب محروم می‌مانند. گزارش توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ صراحتاً تاکید می‌کند که تامین آب باید توسط شرکت‌ها و نهادهای محلی بویژه تعاونی‌ها تامین شود و دولت‌ها باید تشویق‌ها و حمایت‌های لازم را بوجود آورند. از این طریق تعاونی‌ها می‌توانند تا نیمی از مشکل عدم دسترسی به آب نوشیدنی سالم را رفع کنند.

۳- بهبود زندگی دست کم ۱۰۰ میلیون زاغه نشین در جهان: نزدیک به یک سوم جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه در زاغه‌ها و مناطق مسکونی فاقد کمترین استانداردهای زیستی زندگی می‌کنند و مشکلات اساسی آنها تراکم جمعیتی بیش از حد، استانداردهای بسیار نازل مسکن، نداشتن آب سالم و بهداشت است که همه اینها موجب بیماری و نرخ بالای مرگ و میر بویژه در کودکان می‌شود (United Nation 2003). تعاونی‌های محلی در بهبود زندگی اینها نقش درجه یک دارند. بعنوان نمونه حتی در کشورهای آمریکا (نیویورک) و انگلیس (اسکاتلند) تعاونی‌های محلی نقش بسزایی در بهبود زندگی و وضعیت مسکن زاغه‌نشینان و محله‌های فقیر پر جمعیت ایفا کردند و حتی در برخی موارد قادر به مدیریت ساختمانهای فرسوده، بازسازی و

نوسازی آنها و حتی حفاظت و مقاومت جمعی در مقابل مالکان آنها نیز گردیدند.
(Johnston Birchal-2004 P32-36)

ب - توسعه پایدار و آثار اجتماعی آن

اما بجز این موارد که ارتباط تنگاتنگی با فقر و عدالت اجتماعی دارند چه زمینه‌هایی دیگری وجود دارند که تعاونی‌ها بطور مشخص می‌توانند ادعا کنند که برای ارتقا و تعالی اشکال پیشرفته توسعه پایدار اجتماعی و محیط زیستی پیشرو هستند؟ بعنوان یک سازمان، تعاونی‌ها نیز مانند همه سازمان‌هایی که در بازار فعالیت می‌کنند فقط زمانی می‌توانند منابع پایدار را مدیریت کنند که راههایی برای هزینه کردن بخش‌هایی از ارزشی را که خلق می‌کنند در راه پایداری بوجود آورده باشند. شرکت‌های معمولی می‌توانند هزینه‌های مدیریت محیط زیستی را با چند سناریو تامین کنند. شرکت‌های قوی و مسلط به بازار می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های محیط زیستی را بدون تاثیر چندانی بر روی سود خود انجام دهند. برخی دیگر از شرکت‌ها می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های کوچک محیط زیستی را از طریق تبلیغات به منفعت تبدیل کنند و برخی دیگر از شرکت‌ها می‌توانند ادعا کنند که سبز هستند زیرا اصولاً استفاده کننده از منابع طبیعی نیستند یا فرآیندهای آنان تاثیر ناچیزی بر نتایج محیط زیستی دارد.

"بعنوان نمونه مثلاً یک شرکت تولید کننده خودروجنه‌های توسعه پایدار را می‌تواند از طریق روش‌های ذیل در سازمان خود بوجود آورد:

- پیاده سازی فرایندهای پاک‌تر
- جایگزینی خط‌های تولید مبتنی بر روش‌های فورد با تیم‌های کاری
- ساختن ساختمانهایی که از نظر مصرف انرژی کم مصرف هستند
- کاهش آلودگی‌های صوتی و هوای داخل کارخانه و پشت دیوارهای آن
- ساختن کارخانه در یک پارک اکولوژیک که در نزدیکی راه آهن باشد و ارائه سرویس‌های رفت و آمد بعنوان بخشی از حقوق نیروی کار

- برقراری نیازمندی‌های سختگیرانه محیط زیستی و اجتماعی برای عرضه کنندگان

- نظر خواهی از جامعه محلی در باره صدا، آلودگی، رفت و آمد، جای پارک اتومبیل‌ها، ساعات کاری کارکنان، و چگونگی کمک شرکت به محله" (Mark Diesendorf, 1999: 6).

ج - توسعه پایدار و بنگاه اقتصادی (سازمان)

بدیهی است یکی از نخستین کارهایی را که هر شرکتی می‌تواند و باید برای بهبود وضعیت محیط زیستی و اجتماعی انجام دهد توقف تولید محصولاتی است که مصرف آنها یا تولید آنها حامل خسارت‌های جدی و آشکار محیطی و اجتماعی است. بدون توضیح، روشن است که در سرتاسر جهان شرکت‌هایی که بر مبنای سودآوری فعالیت می‌کنند باید دارای منابع مالی وسیعی برای فعالیت‌های یاد شده باشند و در هر صورت، هر گونه هزینه حتی اگر در چارچوب توان و امکان مالی آنها باشد نیز در سودآوری و کاهش آن بسیار تاثیر گذار است. این چیزی است که شرکت‌ها از آن دوری می‌کنند.

اما کارکردها و ماهیت تعاونی‌ها با انواع سازمان‌های خصوصی متفاوت است. تعاونی‌ها در زمره بخش‌هایی اقتصادی هستند که رابطه ساده‌ای با محیط زیست دارند. اگر نگاهی به زمینه‌هایی که تعاونی‌ها در آن فعالیت می‌کنند و یا عللی که موجب می‌شود تعاونی‌ها شکل گیرند بیاندازیم، درک این موضوع ساده‌تر می‌شود. تعاونی‌ها عموماً بر فعالیت‌هایی متمرکز هستند که مبتنی بر بازیابی منابع است بعبارت دیگر تعاونی‌ها یک نوع بخش اقتصادی مبتنی بر منابع تجدید پذیر مانند: کشاورزی، ماهیگیری و جنگل داری محسوب می‌شوند. حتی تعاونی‌ها در مواردی مانند حمل و نقل و نیروگاه نیز فعالیت می‌کنند که بعلاوه استفاده و تولید انرژی در آنها، مبحث محیط‌زیستی می‌تواند مطرح گردد. همانطور که گفته شد تمرکز جدی و فعالیت

گسترده در زمینه‌های مبتنی بر منابع تجدید پذیر موجب می‌شود که تعاونی‌ها توجه جدی به عملکردهای مرتبط با پایداری خود داشته باشند. از سوی دیگر شرایط ساختاری تعاونی‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با محیط زیست را برای آنها دشوار یا ناممکن سازد. اغلب تعاونی‌ها در بخش‌هایی فعال هستند که نرخ بازگشت سرمایه آنها پایین است بعنوان مثال می‌توان از خدمات بانکی برای طبقه کارگر، خانه سازی برای خانواده‌های با درآمد متوسط و فرآوری کالاهای اساسی یاد کرد که همه آنها مجال مختصری برای تمایز سازی محصولات دارند.

در برخی موارد نیز تعاونی‌ها به دلیل اینکه تولید کنندگان کوچک در جستجوی حفظ و حراست خود دز برابر تولید کنندگان قدرتمند هستند، شکل گرفته‌اند. همچنین در شرایطی که ریسک بالا و نرخ بازگشت سرمایه پایین برای سایر شرکت‌های متعارف وجود دارد، تعاونی‌ها در آنجا نیز ظهور می‌یابند. این تعاونی‌ها معمولا دوام می‌آورند زیرا در زمینه‌هایی کار می‌کنند که شرکت‌های دیگر سراغ آن نمی‌روند. برخی از تعاونی‌ها نیز در واکنش به بحران‌های حاد اجتماعی و اکولوژیکی تاسیس می‌شوند، در این مورد می‌توان مثال‌هایی زد: تعاونی چراگاه که در سال ۱۹۳۰ برای حفظ و مدیریت چراگاه‌ها در هنگام خشکسالی و ناکارآمدی روش‌های کشاورزی در دشت‌های کانادا بوجود آمد، یا تعاونی‌های نساجی که جهت بازسازی اقتصاد اجتماعات کوچک صدمه دیده از جنگ بوجود آمدند.

د - تعاونی‌ها و توسعه پایدار

در هر صورت تعاونی‌ها بعنوان بنگاه‌های اقتصادی دارای ظرفیت‌های بالقوه برای ایجاد تغییرات در فرهنگ، سازمان و تکنولوژی هستند. بدین ترتیب تعاونی‌ها بویژه آنهایی که در بخش منابع کار می‌کنند می‌توانند بسیار جدی در زمینه‌های بوم‌شناختی - اجتماعی فعال شوند. با توجه به ساختار، منطق و اصول تعاونی‌ها می‌توان گفت که توسعه پایدار عرصه‌ای است که آنها از شرکت‌های خصوصی و دولتی پیشی گرفته‌اند.

همچنین با توجه به خصوصیات سازمانی، تعاونی‌ها می‌توانند در زمینه توسعه پایدار برتری‌های تجاری نیز داشته باشند.

چرا تعاونی‌ها زمینه سازمانی مناسب‌تری برای توسعه پایدار بوجود می‌آورند؟

۱. تعاونی‌های بطور خودبخود اهداف اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک را بهم پیوند می‌دهند و یک عنصر یکپارچه بوجود می‌آورند.

۲. تعاونی‌ها به ثبات در اقتصادهای محلی و منطقه‌ای کمک می‌کنند و فضای مناسبی را برای سرمایه‌گذاری‌های آینده فراهم می‌آورند.

۳. تعاونی‌ها محمل عملی برای همکاری و فعالیت‌های - جمعی که برای توسعه پایدار ضروری هستند - می‌باشند. تعاونی‌ها جامعه محلی را می‌سازند و تحکیم می‌کنند. این دو امر از ابزارهای اندازه‌گیری توسعه پایدار به حساب می‌آیند.

۴. چون جوامع کوچک مشکلات بسیاری دارند شرکت‌های خصوصی بخاطر سود کم و کوتاه مدت در آنها سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، اما تعاونی‌ها ظرفیت رویارویی بلند مدت با این مسائل را دارند.

۵. تعاونی‌ها نابرابری را کاهش می‌دهند و سهم برابری را در هزینه‌ها و منافع برای توسعه پایدار ایجاد می‌کنند.

۶. تعاونی‌ها دموکراسی اقتصادی را تامین کرده و گروه‌های حاشیه‌ای را توانمندتر می‌کنند که این به نوبه خود نشان دهنده توسعه پایدار و زمینه ساز مسئولیت مشترک است.

۷. تعاونی‌ها شرکای تسهیل کننده‌ای برای اتحادهای محلی، ملی، عمومی و خصوصی هستند.

۸. توسعه پایدار یک بحث مدیریتی و دانایه است پس تعاونی‌ها ظرفیت عالی برای ارتباطات، آموزش و تحصیلات را فراهم می‌آورند.

۹. تعاونی‌ها بخشی ناگسستنی از جنبش جهانی هستند که بر روی مباحثی چون محیط زیست، آزادی زنان، دموکراسی، بدیل‌های توسعه، فقر و مقابله با جهانی سازی نولیبرال متمرکز شده‌اند.

اکنون به شرح هریک از موارد یاد شده می‌پردازیم:

۱- تعاونی‌های بطور خودبخود اهداف اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک را بهم پیوند می‌دهند و یک عنصر یکپارچه را بوجود می‌آورند: تعاونی‌ها سه وجه عملی اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی دارند. باید یادآور شد که برای تحقق توسعه پایدار دست‌کم باید به این سه امر بطور یکپارچه و هم پیوند توجه شود. قرائن عملی و علمی نشان می‌دهند که بدون وجود یکی از این وجوه، هیچ گونه تشبثی به بحث توسعه پایدار قابل توجیه و نتیجه‌گرا نیست. این واقعیت نیاز به پیشرفت‌های تئوریک و عملی را توجیه می‌کند. باید بپذیریم که مباحث اقتصادی ذاتا و ناگزیر اجتماعی هستند و اهداف اجتماعی در بهترین حالت، زمانی قابل دستیابی هستند که در شکل اقتصادی تعریف شوند. بهمین صورت باید پذیرفت که هزینه‌های سوءمدیریت محیط زیستی، کلان و قابل دیدن هستند. کالاهای زمانی می‌توانند کارایی لازم را داشته باشند که در مراحل اولیه تولید (مثلا طراحی محصول یا فرآیند) مورد بررسی قرار گیرند زیرا تلاش برای حذف یا کاهش تاثیرات محیطی کار در مراحل بعدی، هزینه‌های بالا و نتایج ضعیف به بار می‌آورد.

با توجه به این ویژگی‌های توسعه پایدار است که تعاونی به یک گزینه قابل اعتنا و جذاب تبدیل می‌شوند. مدیریت تعاونی‌ها باید بطور مستمر اهداف اقتصادی، اجتماعی و مدیریت منابع خود را، هم پیوند و یکپارچه کنند. این امر باعث می‌شود که مدیریت در تعاونی‌ها پیچیده‌تر و تخصصی‌تر شود و آنان را برای مواجهه با توسعه پایدار آماده‌تر و مهیاتر کند. ویژگی فرهنگی در تعاونی‌ها، مدیران را برای ورود بهینه‌تر به عرصه‌های پیچیده اقتصادی-اجتماعی محیط زیستی - اقتصادی، و بوم‌شناختی - اجتماعی مجهز می‌کند. بعلاوه تعاونی‌ها می‌توانند انواع روابط فیما بین انسانی را که این

بده بستان‌ها و تعدیلات را قابل دست‌یابی می‌کنند، را بوجود آورند و حفظ و حراست می‌کنند. (ن.ک. Birchall و Gertler)

۲- تعاونی‌ها محمل عملی برای همکاری و فعالیت‌های جمعی - که برای توسعه پایدار ضروری هستند - می‌باشند. تعاونی‌ها جامعه محلی را می‌سازند و تحکیم می‌کنند. این دو امر از ابزارهای اندازه‌گیری توسعه پایدار به حساب می‌آیند: از آنجایی که تعاونی‌ها اشاعه دهنده همکاری و عمل مشترک هستند، محمل سازمانی مناسبی نیز برای پاسخگویی به منافع جمعی اجتماعی - بوم شناختی ایجاد می‌کنند. این یک مشارکت کلیدی در توسعه پایدار است اما اقتصادهای مبتنی بر بازار سرمایه‌داری اغلب در این زمینه ناموفقند و وقتی سخن از منافع اجتماعی می‌شود سازمان‌ها عملاً از آن سر باز می‌زنند. همچنین تعاونی‌ها به ایجاد جوامع پایدار کمک می‌کنند زیرا هدف آنها توسعه پایدار است و عامل تعیین کننده‌ای از سیستم‌های پایدار تولید و مصرف به حساب می‌آیند.

توسعه پایدار نیازمند سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی دیدگاهی است که برخی از تحلیلگران از آن برای نام بردن شبکه‌ها و روابط کاری مثبت و شرایط اجتماعی مبتنی بر اعتماد عمومی و حسن نیت استفاده می‌کنند.

این نوع پویایی اجتماعی برای موفقیت در هر گونه مسئولیت - برای مثال ایجاد یک تعاونی - ضروری است. به همین ترتیب این دیدگاه در توسعه پایدار نیز نقش مرکزی دارد، زیرا زمینه‌های لازم را برای ارتقای استاندارد زندگی لزوماً بدون وابستگی صرف به افزایش سطح مصرف خصوصی بوجود می‌آورد. وقتی این سرمایه اجتماعی درست کار کند تعاونی‌ها نیز در باز تولید و اشاعه آن تاثیر گذار می‌شوند و از این رهگذر سایر پروژه‌های اجتماعی از قبیل توسعه پایدار نیز با موفقیت شکل می‌گیرند. تعاونی‌ها نقش یکپارچه ساز، همپیوند و ثابت کننده را دارند. آنها اتحادها و هم‌گرایی‌ها را رشد می‌دهند و به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کنند. از اینرو می‌توان گفت که تعاونی‌ها تامین کننده خدمات اجتماعی به اقتصادهای منطقه‌ای

محسوب می‌شوند و بهمین صورت می‌توانند خدمات محیط زیستی نیز ارائه دهند. (ن.ک. Gertler و Birchall)

۳- با توجه به اینکه جوامع کوچک مشکلات بسیاری دارند، به دلیل سود کم و کوتاه مدت شرکت‌های خصوصی در آنها سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بنابراین تعاونی‌ها ظرفیت رویارویی بلند مدت با این مسائل را دارند:

یکی از تضادهای توسعه سرمایه‌داری عدم توانایی آن در تبدیل منافع آینده به حال است. اقتصادهای مبتنی بر بازار سرمایه‌داری بیشتر گرایش به نادیده گرفتن آینده دارند.

ترکیب ریسک و نرخ بهره بلند مدت عموماً ارزش خالص حاضر^۱ را تقریباً به صفر می‌رساند. این بمنزله آن است که سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با کنترل آلودگی و حفظ منابع مایل به صفر می‌شوند، بویژه در جاهایی که تأثیرات آن تدریجی و غیر منطقه‌ای است مانند تأثیرات بلند مدت بر کیفیت آب و لایه اوزون، این امر بیشتر قابل لمس است. در واقع این یک نوع سقوط بازار بشمار می‌رود و از اینرو کنترل آن نیازمند دستکاری‌های دانسته در سطوح ملی و بین‌المللی است. اما تعاونی به خودی خود نوعی نوآوری نهادینه هستند که مسئولیت‌های اکولوژیک را بدوش می‌کشند.

تعاونی‌ها وابستگی ذاتی و نعل به نعل با قوانین و شرایط بازار ندارند. دست کم این امر در کوتاه مدت قابل تصور است. مدیران تعاونی نیازی به نشان دادن سود و رشد در آخر هر سال ندارند، همچنین موقعیت شغلی خود را در صورتی که نرخ‌های بازگشت بالا در سرمایه‌گذاری و عدم تأمین رشد سود سهامدار، در خطر نمی‌بینند. تعاونی‌ها می‌توانند سرمایه مورد نیاز خود را از راه حفظ درآمدها و اشکال متعدد مشارکت اعضا و دریافت وام تأمین کنند. سرانجام این که تعاونی‌ها نیازی به کسب سود بشکل شناخته شده آن در اقتصاد بازار را ندارند. تعاونی‌ها می‌توانند خود را در بلند مدت بدون آنکه به نقطه سر به سر برسند حفظ کنند. در واقع سرمایه تعاونی

^۱ . NPV

دارای صبوری بمراتب بیشتری نسبت به سرمایه خصوصی است. اینجاست که تعاونی‌ها مجال سرمایه‌گذاری‌های بسیار بلندمدت را - که ندای منافع اجتماعی بسیار مهمی را سر می‌دهد - دارند، حتی اگر آینده مورد بحث آنسوی چند چرخه تجاری باشد. اعضای تعاونی از تعاونی بهره‌هایی می‌برند که با سود صاحبان شرکت‌های خصوصی کیفیاً و نوعاً تفاوت دارد، از اینرو اعضای تعاونی علاقمند به سرمایه‌گذاری در مباحث توسعه پایدار هستند. (ن.ک. Harris و karlyle)

۴- تعاونی‌ها به ثبات در اقتصادهای محلی و منطقه‌ای کمک می‌کنند و فضای مناسبی را برای سرمایه‌گذاری‌های آینده فراهم می‌آورند: تعاونی‌ها محمل مفید و مناسبی برای مقاصد جمعی و بلند مدت هستند، نوعی خدمات پنهان اقتصادی ارائه می‌کنند که موجب ثبات بخشی اقتصادهای محلی می‌شود و از این طریق حتی زمینه‌های مستعدی را برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی بوجود می‌آورند. تعاونی‌ها معمولاً عمر بیشتری نسبت به شرکت‌های خصوصی دارند و بویژه حضور آنها در روستا که از آسیب پذیری بیشتری برخوردار است موجب ثبات بیشتر اقتصاد می‌شود. این امر اجازه می‌دهد که دیگران با اعتماد بیشتری سرمایه‌گذاری کنند و متوجه منافع بلند مدت خود باشند و بفکر حفاظت از منابع خود برآیند و از این طریق بهره‌وری خود را افزایش دهند. (ن.ک. Fairbairn)

۵- تعاونی‌ها نابرابری را کاهش می‌دهند و سهم برابری را در هزینه‌ها و منافع برای توسعه پایدار ایجاد می‌کنند:

استفاده از منابع پایدار معمولاً با حضور نا برابری‌های خالص اجتماعی و اقتصادی سازگاری ندارد، برخی حتی معتقدند که اصولاً شرایط نابرابر اجتماعی با توسعه پایدار تعارض اساسی دارد.

اما تعاونی‌ها به حذف نابرابری اجتماعی کمک می‌کنند. حتی می‌توان ادعا کرد که پیش شرط اجتماعی - روانی توسعه پایدار، ترتیبات کارآمد و شفاف را می‌طلبد که در آن برابری در هزینه و منافع ملحوظ باشد. تعاونی‌ها بعنوان یک نوع سازمان مشترک و

جمعی می‌توانند این ترتیبات که موجب عدالت اقتصادی است را تامین کنند. (ن.ک. Gertler)

۶- تعاونی‌ها دموکراسی اقتصادی را تامین می‌کنند و گروه‌های حاشیه‌ای را توانمندتر می‌سازند که این بنوبه خود نشان دهنده توسعه پایدار و زمینه ساز مسئولیت مشترک است:

امروزه "هم پیوندی" و انسجام اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای از طریق سازماندهی و عملکرد تعاونی‌ها در فرآیندهای بهره برداری بسیار حیاتی است. این خود به تنهایی زمینه ساز جامعه پایدار می‌شود اما می‌توان آن را در ارتباط با استفاده پایدار از منابع طبیعی نیز دید. تعاونی‌ها دموکراسی بیشتری را از طریق مالکیت مشترک و کنترل مشترک به ارمغان می‌آورند. در تعاونی افراد بیشتری مجال ایفای نقش مستقیم در تخصیص و مدیریت منابع دارند و مهارت‌ها و خلاقیت آنها بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشارکت اجتماعی برابر یک پیش شرط حیاتی در ظهور دیدگاه‌ها و عملکردهای مبتنی بر مسئولیت مشترک و حمایت از استفاده پایدار از منابع است. (ن.ک. Birchall)

۷- تعاونی‌ها شرکای تسهیل کننده‌ای برای اتحادهای محلی، ملی، عمومی و خصوصی هستند: تعاونی‌ها اغلب نقش تسهیل کننده در اتحادهای محلی، ملی و بین‌المللی را از سویی و سازمان‌های خصوصی و دولتی را از سوی دیگر ایفا می‌کنند. امروزه شراکت و همکاری بخشی از واقعیت مقبول و عملی در توسعه اقتصادی جوامع محسوب می‌شود. معمولاً تعاونی‌ها توسط سازمان‌های غیر دولتی (NGOs)، ارگانهای دولتی، و شرکتهای بخش خصوصی، طرف‌های قابل اعتماد و مورد احترام بشمار می‌روند و شرکای کلیدی محسوب می‌شوند. تعاونی‌ها بعنوان شریک در استفاده از منابع، نقش رهبری دارند و تسهیل کننده کلیدی در پروژه‌هایی هستند که نیاز به اتحاد بخش‌های گوناگون دارد. (ن.ک. Gertler)

۸- توسعه پایدار یک بحث مدیریتی و داناپایه است و تعاونی‌ها ظرفیت بی‌مانندی را برای ارتباطات، آموزش و تحصیلات فراهم می‌آورند: تعاونی‌ها مدارس تاثیر گذاری در توسعه پایدار هستند. آموزش و ارائه تحصیلات به اعضا، کارکنان و عموم یکی از اصول تعاونی‌هاست و بسیاری از تعاونی‌ها در آموزش و ارتقای مهارت‌های فنی، مدیریتی و سازمانی به اعضا و کارکنان‌شان بسیار موفق عمل کرده‌اند. در شرایطی که تعاونی‌ها تامین می‌کنند، دوره‌های کوتاه، تحصیلات عالی، آموزش‌های عملی و فراگیر به یک امر بدیهی و روزمره تبدیل شده است. تعاونی‌ها می‌توانند تامین کننده و آغازگر پروژه‌های پژوهشی باشند که در آنها بازیگران اصلی اعم از طراحان و مدیران، اعضا و کارکنان تعاونی‌ها هستند. آنها می‌توانند بعنوان شبکه‌هایی باشند که کارشناسان و متخصصان محلی را تولید، تقسیم و ارزشیابی می‌کنند.

تعاونی‌ها می‌توانند دانایی‌های محلی را جمع‌آوری کرده، کدگذاری کنند و بر آنها صحنه گذارند. به این نوع از اطلاعات، "دانایی مردمی" و یا "درون‌زا" هم گفته می‌شود. تعاونی‌ها نهادهایی هستند که سازمان‌های دولتی و غیردولتی می‌توانند آموزش‌ها، پشتیبانی‌های فنی و تکنولوژی‌های بدست آورده خود را بطور اثر بخش به آنها ارائه دهند. در مقایسه با بنگاه‌های خانگی و شرکت‌های بزرگ، تعاونی‌ها استعداد بیشتری برای ارتقای ظرفیت‌های فنی در سازمان خود دارند زیرا امکان مدیریت سیستم‌های بغرنج‌تر - از جمله اکولوژیک - را دارا می‌باشند. توسعه پایدار نیازمند فراگیری‌های نهادینه شده، سازمان انعطاف پذیر، کارکرد ماهرانه کارگران و مدیران با انگیزه و متفکر است. تعاونی‌ها می‌توانند که چنین محیط‌های کاری را ایجاد کنند. برتری تعاونی‌ها در اینجا نهفته است.

با توجه به چشم اندازی که تعاونی‌ها در روابط بلند مدت ارائه می‌دهند، آنها می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های جدی و پر اهمیتی را برای آموزش اعضا، کارکنان و مشتریان انجام دهند. تعاونی‌ها از آگاهی بیشتر اعضا و مشتریان نسبت به وجوه گوناگون کیفیت سود می‌برند و با توجه به روابط مبتنی بر اعتماد و مشارکت در

حاکمیت و مالکیت سازمانی، مکان مناسبی برای تاثیر گذاری بر نوع رفتار اعضا و کارکنان خود می‌باشند. تعاونی‌ها بعنوان سازمان‌هایی که بصورت محلی کنترل می‌شوند، در زمینه ارتباطات جایگاه برتری را دارند و نیاز کمتری به پنهانکاری در زمینه محصول و روش تولید آن دارند و اعضا مطمئن هستند که از آنان سوء استفاده نمی‌شود. تحصیلات نیز سودی است که تعاونی‌ها می‌توانند به کارکنان خود ارائه دهند و از این طریق وابستگی، وفاداری و اثر بخشی آنان را افزایش دهند. (ن.ک. Wang / Liu)

۹- تعاونی‌ها بخشی ناگسستنی از جنبش جهانی هستند که بر روی مباحثی چون محیط زیست، آزادی زنان، دموکراسی، بدیل‌های توسعه، فقر، و مقابله با جهانی سازی نولیبرال متمرکز شده‌اند: تعاونی‌ها بخشی از جنبش جهانی پر سابقه‌ای هستند که در طی سالها بسیار نیرومند شده‌اند. تعاونی‌ها از طریق دسترسی جهانی به سازمان‌های تعاونی ملی و بین‌المللی می‌توانند وارد این جنبش شده و به مبادله اطلاعات و مشارکت دست زنند. یکی از مباحثی که در این ارتباط دارای اهمیت است جنبش‌های اجتماعی متمرکز بر اموری چون محیط زیست، دموکراسی اقتصادی و بدیل‌های توسعه است. این جنبش‌ها می‌توانند متحدان استراتژیکی در ایجاد تغییرات برای تعاونی‌ها باشند. تعاونی‌ها موقعیت خوبی برای مقابله و نقد جهانی سازی - که توسط شرکت‌های چند ملیتی و تجارت فرا ملی و نهادهای مالی ترویج می‌شود - دارند. تعاونی‌ها یکی از اجزای اصلی جبهه متروقی در این خصوص هستند و ارگانهای دولتی و سازمان‌های غیر دولتی جهانی آنها را بعنوان یک شریک و همکار قابل اتکا می‌بینند. با توجه به امکاناتی که تعاونی‌ها توانسته‌اند از این منابع کسب کنند، زندگی پایداری را برای افراد و جوامع حاشیه‌ای تامین کرده‌اند. این مثالها مفهوم "توسعه‌ای دیگر" را قابل دفاع و زمینه‌های اجرایی شدن آن را فراهم می‌کنند و می‌توانند از این طریق جایگزینی جدی و سالم برای اشکال توسعه امروزی - که تولیدگرا و مصرف‌گرا هستند و

دستاوردهای آنها عموماً خصوصی و هزینه‌ها اجتماعی است - به شمار آیند. (ن.ک).

(Develtere / Pollet)

نتیجه‌گیری

نتیجه این مقاله نویدی است که برای تداوم فرآیندهای اقتصادی می‌توان متصور شد. بدیهی است که اقتصادهای عصر صنعتی و فراصنعتی ره آورد عظیمی از پیشرفت و توسعه را با خود به همراه داشته‌اند و چهره زندگی بشری را بر روی کره خاکی عمقیا متحول و دگرگون کرده‌اند. این همه دستاورد که کاملاً قابل دید و لمس است و بیان آنها نه کاری است ممکن، البته تعارض‌ها، ناهنجاری‌ها و تخریب‌هایی بعضاً بسیار جدی و قابل توجه را نیز به ارمغان آورده‌اند و در مجموع حتی تهدیدهای جدی در تخریب محیط اعم از طبیعی و اجتماعی را نیز از خود نشان داده‌اند. بنظر می‌رسد وقت آن رسیده است که در نهادها و فرایندهای تولید، توزیع و مصرف اجتماعی فصل‌های کاملاً نوین و کیفی دگرگون را نشانه رفت. از سویی این ورق برگردانی تاریخی در اقتصاد نمی‌تواند صرفاً بر اساس نوآوری‌ها ساخته و پرداخته ذهن صورت گیرد بلکه باید متکی بر سنتزهای عینی ظهور یابد. از سوی دیگر نا گفته مسلم است که فرایندهای نوینی که در جستجوی آنها هستیم تا ناهنجاری‌ها و تخریب‌های محیطی و اجتماعی را مرهم باشند و در مسیر سالم قرار دهند نیازمند نهادهای عامل، درخور و کیفی متفاوتی نیز هستند. از اینرو بنظر می‌رسد تعاونی‌ها بعنوان یک نهاد عامل متفاوت در ترکیب با فرایندهای اقتصادی متفاوت وعده‌های مثبتی را ارائه می‌دهند. تعاونی‌ها دارای ظرفیت بالقوه در حفظ منابع طبیعی هستند و در عین حال تضمین کننده یک اقتصاد مبتنی بر عدالت. جایی که اعضای جامعه در حکم طبیعی خود برای منافع اجتماعی در جایگاههای گوناگون فعالیت می‌کنند و نیازهای اجتماعی هر دم بالنده خود را فراهم می‌کنند. بر عکس آنچه که عموماً تصور می‌شود تعاونی‌ها به مراتب فراتر از اقتصاد معیشتی هستند و فقط نقش تعدیل کننده عدم کارایی اقتصاد بازار را ندارند، بلکه در

ذات خود توانمندی ظهور مستقل و رشد یابنده‌ای را دارند که بخوبی قابلیت توسعه اجتماعی - اقتصادی در سطح روستا، محله، شهر، کشور و جهان را به آنان داده است. تعاونی‌ها این توسعه را در هماهنگی کامل و تقویت فرایندها و منابع طبیعی به منصفه ظهور می‌رسانند. به عبارت دیگر تعاونی‌ها مناسب‌ترین محمل یا یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای احقاق توسعه پایدار هستند.

منابع

- Birchall Johnston. (2004). “**Co-operative and Millennium Development Goals**”. International Labour Organization, Geneva, Switzerland.
- Birchall Johnston. (2001). “**Rediscovering Co-operative Advantage: Poverty Reduction Through Self-Help**”. Labour, ILO Publisher.
- Castro Carlos J. (2004). “**Sustainable Development: Mainstream and Critical Perspectives**”. Organization Environment, Sage Publication.
- Develtere Patrick / Pollet Ignace. (2005). “**Co-operatives and Fair Trade**”. Katholieke Universiteit Leuven, Background Paper commissioned by the Committee for the Promotion and Advancement of Co-operatives (COPAC) for the COPAC Open Forum on Fair Trade and Co-operatives, Berlin – Germany.
- Diesendorf Mark. (2000). “**Sustainability and Sustainable Development**”. Sustainability the Corporate Challenge of 21st Century, Allen & Unwin, Chap. 2, 19-37, Sydney.
- Fairbairn Brett. (1997). “**Balancing Act: Crown Corporations in a Successful Economy**”. Center for Study of Co-operatives, University of Saskatchewan, Saskatoon.
- Gertler Michael. (2001). “Synergy and strategic advantage: cooperatives and sustainable development”. **Journal of Co-operative**, 2004.

- Gertler Michael: “**Rural Co-operative and Sustainable Development**”.
Miscellaneous Publications.
- Harris Andrea. (2006). “**Co-operative Social Responsibility: A Natural Advantage?**” Center of the Study of Co-operatives, University of Saskatchewan.
- Karlyle Jake. (2005). “**A co-operative Economy- What Might it Look Like**”. Paper Given at Hobart Conference: Community, Economy and Environment, Exploring Tasmania’s future.
- Harris Jonathan M. (2000). “**Basic Principles of Sustainable Development**”. Global Development and Environment Institute, Tuft University, USA.
- MacPherson Ian. (2008). “**The Co-operative Movement and Social Economy Tradition: Reflections on Mingling of Broad Vision**”.
Annuals of Public and Co-operative Economics. University of Victoria.
British Columbia.
- Norgaard R. (1994). “**Development Betrayed: The End of Progress and Co-evolutionary Revisioning of the Future**, Rutledge Kegan Paul, London.
- Redclift M. (1989). “**Sustainable Development: Exploring the Contradictions**”. Rutledge Kegan Paul. London.
- Sale Jonathan P. (2006). “**The Informal Economy: Social Justice Through Co-operatives**”. Presented at Asia-Pacific Conference on the theme: Putting a Human Face to the Globalization: Co-operative Model, Manila.
- Scherr Sara J. (2011). “**A downward spiral? Research evidence on the relationship between poverty and natural resource degradation**”, Euro Cereal 2011, Science and technology Meeting Real World challenges. UK.

- Schumacher E. F. (1973). “**Small is Beautiful: Economics as if People Mattered**”. Harper & Row. New York.
- Solow R. (1993). “**Sustainability, an Economists Perspective**”. Economics of Environment (PP.179-187), Norton, New York.
- Stiglitz E. Joseph: (2004). “**The Role of Co-operatives in Globalization**”. Columbia University, USA. International Conference on The Culture of Development, Globalization and Cooperative enterprise, Genoa, Italy July.
- Wang Zegen / Liu Jianjun. “**Sustainable Co-operative Research and Practice in Industries, Universities, and Research Institutes**”. School of Civil and Architecture Engineering, Southwest Petroleum University, China.
- World Commission on Environment and Development. Our Common Future. (1987). Oxford University press, New York.